

فراخوان طراحی درس آزاد - پایه نهم

نام و نام خانوادگی: مریم محمدی

نام استان: خراسان رضوی

نام شهرستان: تربت حیدریه

مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## سرزمین دلیران

آنجا که کوه‌های تربت جام و کوه سرخ سر به هم می‌گذارند، حوض‌خانه‌ای بزرگ پدید آورده که تربت حیدریه را در خود جای می‌دهند. شب‌هنگام وقتی از فراز یکی از آن‌ها سرازیر می‌شوی، ستارگان رنگارنگی را می‌بینی که امتداد نورشان تا آسمان رسیده است و پایان راه را نوید می‌دهند.

مقصد رسیده‌ای به شهری که دو خیابان اصلی‌اش هم‌چون به‌علاوه‌ای در تقاطع خود، میدان اصلی شهر را پدید آورده است. با اندکی جست‌وجو مسافرخانه‌ای می‌یابی و در آن بیتوته می‌کنی. غرغز فرهای تخت‌خوابی قدیمی، برایت لالایی می‌خوانند تا کوفتگی راه را از تن خسته بزدایی.

فردا صبح خنکی هوا تو را بیدار می‌سازد. قدم به خیابان می‌گذاری، هوایی جانفزا و پاکیزه و اندکی سرد تو را هوشیار می‌سازد. به سوی مسجد جامع شهر پیش می‌روی، همان بنایی که بر گرد میدان اصلی شهر به آن قداستی خاص بخشیده است. دوگانه‌ای می‌گزارى و سبک‌بار بیرون می‌آیی. آن‌گاه صبحانه را در قهوه‌خانه‌ای، چای شیرین و پنیر، نان سنگک تازه همراه غلغل سماور صرف می‌کنی. کم‌کم آمد و شده‌ها شروع می‌شود. در چهره همه شتاب موج می‌زند. عجله جزئی از آن مردم است. همان مردمی که در سال ۱۳۵۷ نتوانستند تا بیست و دوم بهمن ماه منتظر بمانند و در نهم دی طلایه‌دار پیروزی انقلاب بودند.

آنچه بیش از همه تو را به خود می‌گیرد، کاج‌هایی است که سبزنای آن‌ها در هر گوشه‌ای دیده می‌شود و باغی بر فراز تپه‌ای. به آن سو می‌روی. از پله‌هایی که زیبا و استادانه طراحی شده، می‌گذری. فضای سبز و درختان سر به فلک کشیده و بوی گل و گیاه تازه و رطوبت، تو را از خود جدا می‌سازد. گمان می‌کنی گوشه‌ای از بهشت است.

در آن قدم برمی‌داری و اوج می‌گیری. بناهای نازیبایی که در اطراف این مجموعه زیبا احداث شده است، تو را به خود می‌آورد. درکنار این مجموعه، مزار قطب‌الدین حیدر، آن صوفی پاک سرشت واقع است. به سویش کشیده می‌شوی. مزار قطب و خانقاه او. تمام روحانیت و معنویت و حتی نام این شهر به آن مزار بازبسته است. قدم به درون می‌گذاری و به گوشه و کنار آن سرک می‌کشی. با دیدن گنبد‌های عظیم، گچ‌بری‌های

ساده و زیبا، طرح ماهرانه و دل‌انگیز خانقاه، حالی عجیب به تو دست می‌دهد. یاهوی درویشان را به گوش جان می‌شنوی و خلوت و چله‌نشینی آنان را به نظر می‌آوری. احساس می‌کنی از دیرباز با این شهر مأنوس بوده‌ای. در پس



کوچه‌های آن گشتی می‌زنی. از کوچه‌های باریک و دراز و مملو از جمعیت می‌گذری و



پس از پیچ و تاب فراوان به همان خیابان اصلی باز می‌گردد که هیچ اسلوب و نقشه خاصی در ساخت آن در کار نبوده است. همه چیز طبیعی است و تصنعی در کار نیست. شاید مردمانی که آن سازه‌ها را ساخته‌اند از وجود خود یک‌رنگی و خلوص را در آن به ودیعه نهاده‌اند. کسانی که عرفان را از برکت امام‌زاده‌ها و پیرهای متعدد نبوشیده‌اند، انسان‌های با غیرت و متعصب. کسانی که می‌خواهند هرچه را در اوج داشته باشند و در عین حال قانع و صبور، خون‌گرم و مهربان هستند. آنان که در هر برخورد ساده با تو اُخت می‌شوند و هرگاه از کنارشان بگذری، برایت سر و دست تکان می‌دهند و البته رقابت جزء جدانشدنی زندگی آن‌هاست. از درازای صف سینه‌زنان و زنجیرزنان، تعداد و اندازه طبل‌های هیأت‌های مذهبی گرفته تا جشن و سرورها، کفش، کلاه، موهای طلایی رنگ و... بعد از هر واقعه‌ای تا مدت‌ها از آن سخن در میان است و از آن تمجید می‌کنند یا آن را رد می‌کنند. زبان آن وقایع با زبان فارسی و لهجه زیبای تربتی، آن را

دلپذیرتر می‌سازد. لهجه‌ای که کلمات آن برگرفته از لهجه‌های هراتی، یزدی و مشهدی است و این شهر هر سه را یک‌جا دارد.

سرانجام چون چشم می‌گردانی، گرداگرد خود کوه‌هایی می‌بینی که سر به آسمان می‌سایند و همان‌گونه که این منطقه را از بلایا حفظ نموده‌اند، فرهنگ، پیش و باورها را نیز اصیل و تغییر نایافته نگه داشته‌اند. این جا راستی، پاکی و سادگی روستایی بزرگ را داراست که زلال صفا و صمیمیت و انسانیت آن را، مکر و فریب و نیرنگ تیره نساخته است و بر دامنه کوه‌ها و فراز تپه‌هایش مزار امام‌زاده و پیر و مرادی بنا شده است که زیارت‌گاه اهل دل و آشفته‌گان این دیار است. به هر سو که می‌روی، عشق را می‌بینی و عرفان و دیگر تجرید، تسلیم و تصدیق.

گروه آموزشی عصر

علی کاظمی

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## خودارزیابی

- ۱ لهجه مردم تربت حیدریه برگرفته از کدام لهجه‌ها می‌باشد؟
- ۲ چه عنوان‌های دیگری می‌توان برای این درس انتخاب کرد؟
- ۳ به نظر شما چه خصلت‌هایی باعث محبوبیت مردم یک شهر می‌شود؟
- ۴ .....

### نکته ادبی

#### تک‌نگاری

نوشته‌ای تحقیقی درباره طبیعت، ویژگی‌های اقلیمی و منابع مختلف یک منطقه است. همچنین درباره خلق و خو، آداب و رسوم و هنرهای دستی مردم هر منطقه چیزهایی را می‌آموزد. تک‌نگاری بر اساس مشاهده مستقیم و عینی استوار است. معمولاً از مواردی که در تک‌نگاری مورد توجه قرار می‌گیرد، در نوشتن سفرنامه‌ها نیز استفاده می‌کنند.

جلال آل احمد یکی از نویسندگانی است که در این زمینه نوشته‌های ارزشمندی دارد. کسان دیگری در زمینه گردآوری فرهنگ مردم و تک‌نگاری کوشیده‌اند. از جمله: محمدعلی جمال‌زاده، انجوی شیرازی، صادق همایونی، محمدجعفر واجد و ...

### گفت‌وگو

- ۱ نمونه‌هایی از آثار و بناهای تاریخی شهرتان را در کلاس معرفی کنید.
- ۲ درباره جمله: «به هر سو که می‌روی عشق را می‌بینی و عرفان و دیگر تجرید، تسلیم و تصدیق» گفت‌وگو کنید.

## نوشتن

۱ برای هر واژه دو هم‌خانواده بنویسید و در جدول قرار دهید.

		تمجید
		خلوص
		عرفان
		جامع

۲ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید.

قداست، متعصب، بیتوته، تقاطع، تصدیق، ودیعه، اسلوب

۳ در عبارت‌های زیر هسته و نوع وابسته را مشخص کنید.

ب) فضای سبز و درختان سر به فلک کشیده

الف) همان مردم غیور

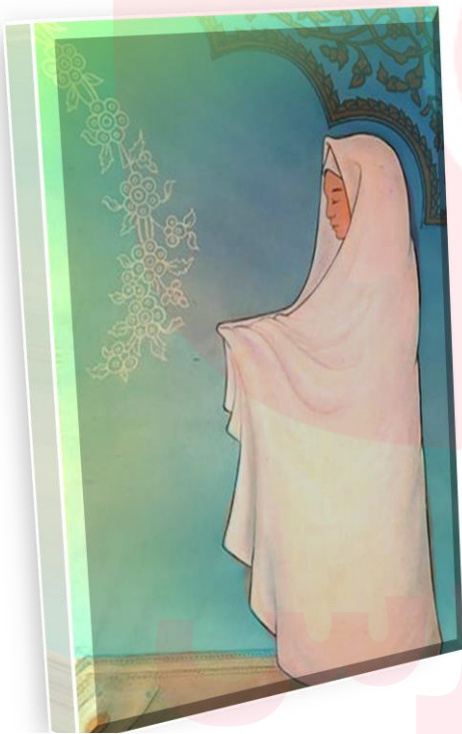
د) دو خیابان اصلی شهر

ج) طرح ماهرانه و دل‌انگیز خانقاه

۴ برای خواندن درست و مناسب متن «سرزمین دلیران» چه لحنی را باید برگزید؟

www.my-dars.ir

## حکایت: دعای مادر



از بایزید بسطامی، عارف بزرگ، پرسیدند: این مقام ارزشمند را چگونه یافتی؟ گفت: شبی مادر از من آب خواست. نگریستم، آب در خانه نبود. کوزه برداشتم و به جوی رفتم که آب بیاورم. چون باز آمدم، مادر خوابش برده بود. پس با خویش گفتم: «اگر بیدارش کنم، خطاکار خواهم بود.» آن گاه ایستادم تا مگر بیدار شود. هنگام بامداد، او از خواب برخاست، سر بر کرد و پرسید: چرا ایستاده‌ای؟! قصه را برایش گفتم. او به نماز ایستاد و پس از به جای آوردن فریضه، دست به دعا برداشت و گفت: «خدایا! چنان که این پسر را بزرگ و عزیز داشتی، اندر میان خلق نیز او را عزیز و بزرگ گردان.»

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

بستان العارفين

## شعر خوانی: غم و غصه

غم و غصه میرزن خنهی مُر تنگ مین  
د رباطِ دلِ مُو، قفله‌ها لنگ مین  
سنگِ بودِ دلِ مُر وختِ شگستنِ ای عشق  
ورمدرنِ دِ تر زوی تو پی‌هنگ مین  
نخوری غم که حنا رفته گرو، خونِ مُو هست  
دمِ عیدی، سرِ ناخونِ تُرم رنگ مین  
کمک از مُردمِ بداصلِ نمیم آجاش  
دستبرِ وختِ مگیرن، دِ شو سنگ مین  
غمِ نون و غمِ جون و غمِ بچه، غمِ زن  
مرد د دنیا به چه چیزایِ کلونگ مین  
ای رفیق، توشنهی صلحُم، و خه مرگوه بیار  
مردم از غصه که اقدر دِ زمی جنگ مین  
حق همی بو که بره غُزمه و ورغلطه دِ خُنب  
حیفِ او خوشه‌ی انگور که آونگ مین

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

محمد قهرمان